

۶۲ هم استرا انجری هم تا کتیک

در این مقاله به بررسی آثار و خدمات اجتماعی امام
و نقش ایشان در توسعه و عمران کشور و تأثیر آن بر مردم است

۸۸ امام مردم

از کتب جمهوری اسلامی
پایه کتابخانه و مرکز مردم در دانشگاه سیاسی امام است

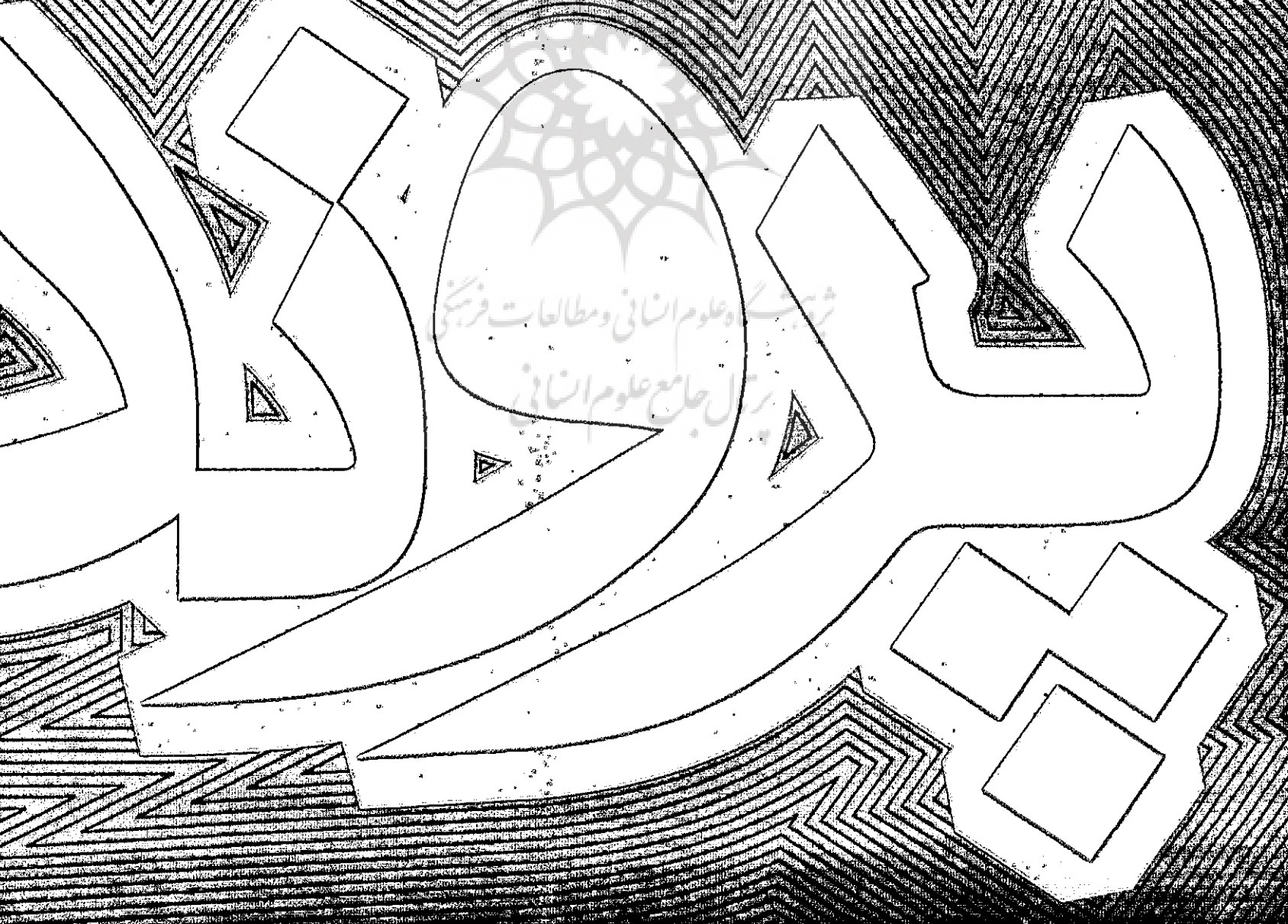
۸۶ آنچه امام (ره) از پاره جمهوری اسلامی نمی دانستند

پوشش از روزگاری که جمهوری اسلامی در مسیر راهی آن

۹۱ اقتصاد نا!

کتاب و روزنامه که در حین سبانی

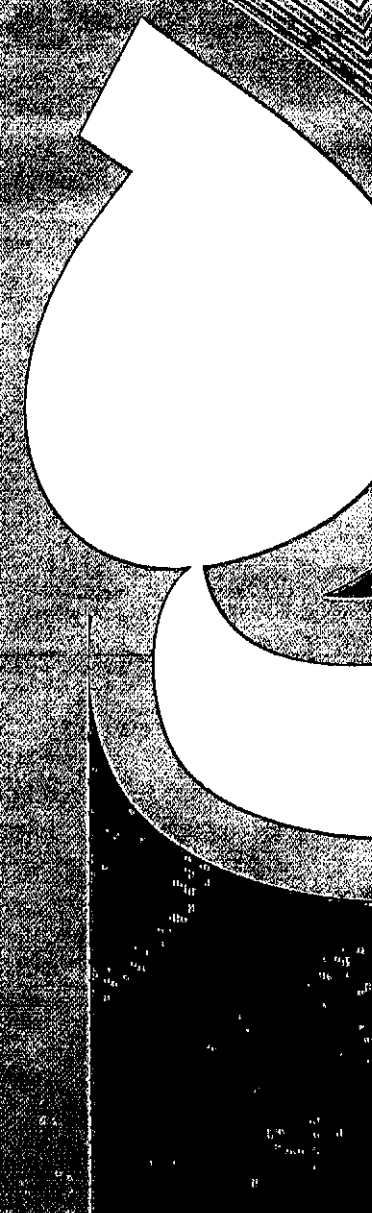
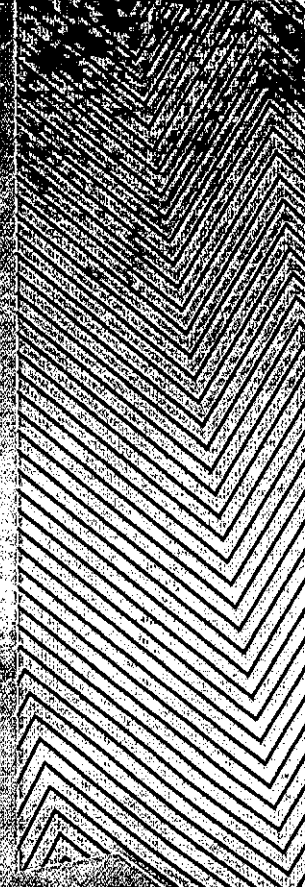
رساله است



کتابخانه و مرکز علمی و مطالعات فرهنگی
پیشگاه جامع علوم انسانی

پارادگم‌های انتخاب‌های سیاسی: اتانم‌های سیاسی (فکت‌های سیاسی) و فرآیند انتخاب‌های سیاسی

پوشش و از راهی است که می‌تواند دستخوش فرآیندهای ناممکن و متضاد شود. اگر بخواهیم به زبان جامعه‌شناسی سخن بگوئیم، پروسس (Process) در واقع گسودگی ساختارها در برابر واقعیت‌ها و امور واقع (Facts) است. اگر این تغییر را بخواهیم به جد بگیریم، باید این نکته را هم مدنظر قرار دهیم که پوشش انتخاب‌ها نیست بلکه نسبت به سخت و متصلب شدن ساختارها هستند. از آنجا که این فرآیند انتخاب‌ها در واقع حقیقت‌آلود و متصلب است، که از فساد و گندیدگی آن‌ها جلوگیری می‌کند. در سال ۱۳۵۷، انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی آغاز به‌طور جدی در کشور آغاز گردید. بود که ماهیت و جوهر نظم و نظام سلطنتی و مملو از فساد و فتنه‌های داخلی از آنجا که این پوشش و همساز با آن ساختارهایی از دگر انقلاب اسلامی ایران در ابتدا در نظام گسودگی و فساد داشتند این ساختارها در حقیقت سرچشمه و از آن سرچشمه بود. هیچ‌کس نباید با کسوف و تاریکی، حرم‌اندیشی و تسلط بر این فرآیند این ساختارها را بپذیرد. مردم نیستند چرا که مردم روح دمیده همین ساختار هستند. پوشش مملو از فساد و فتنه‌های داخلی اگر ساختارها را بسته نشوند و از مردم روی برتابند، بجز فساد و فتنه‌های داخلی امام خمینی^{۱۲} فقیه پوشش است. فقیه مردم از آن رو که فتنه‌های داخلی از آن سرچشمه‌های امام است که ما دستگاه فقه سیاسی امام و اندیشه‌های ایشان را در ساختارها (فرآیند ساختارهای بسته) تقلیل دهیم و روح آنها را که مردم هستند از جریان و فرآیند انتخاب‌های انقلاب اسلامی ایران بماند مردمی بودن و مردم‌داری را به فریبدهای سیاسی تقلیل دهیم. زبان تا آنجا دیگر بر حقوق حقه ملت تاکید کند و سینه‌های این فرآیند را به فریبدهای سیاسی تقلیل دهیم مردم به دست دهند تا کذب و فریب‌ها را بچهره فقیه‌های خود و فتنه‌های مردم خجسته‌ترین دوره نمود انقلاب اسلامی ایران (از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹) است. امام خمینی^{۱۳} در دوران حرم‌اندیشی عالی رتبه بود که انقلابی در ساخت فقه سیاسی پوشش را در آن گسودگی و فریبدهای سیاسی به نظم مردمی در عرصه فقه سیاسی بود. امام خمینی^{۱۴} در این باره نوشت: «انتقال از نظام مردم‌داری و حاکمیت خودمختار نظام حاکمیت مملو از فساد و فتنه‌های داخلی به نظام حاکمیت اسلامی ایران را به نام مردم تشکیل دادند. انقلاب و نظامی که به واقع خطاب حاکمیت ایران است و مردم را در برده و آنها را صاحب حق کرد تا نام مردمی در نظام حاکمیت ایران جاری و ساری سازد. این پرونده با تمام تفاسیری که در این خطب است، امام خمینی^{۱۵} در این باره نوشت: «مردم را می‌باید تا تصویری ملموس تر از امام را از آن بکشند»



پرونده

اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) در طول زمان دچار تحول شده اما این تحول مبتنی بر اصول ثابتی بوده است

مهم‌ترین دستاورد

نجف لک‌زایی / اسید جواد میر خلیلی

اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) به عنوان معمار و بنیانگذار انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، همواره به مثابه یکی از مهم‌ترین منابع یا شاخص شناخت تفکر انقلاب اسلامی، مورد توجه محققان داخلی و خارجی بوده و از این رو بررسی و تحلیل اندیشه سیاسی ایشان به عنوان نخستین ولی فقیه و رهبر سیاسی مپسوط الید در جهان اسلام در عصر غیبت، حائز اهمیت و اولویت است. بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، قیام و نهضت اسلامی خویش را از نظر فکری، با احیای اندیشه سیاسی اسلام، به ویژه احیای تئوری حکومتی اسلام، آغاز کردند و این در حقیقت، یکی از تفاوت‌های اساسی نهضت بیدارگرانه و حیات بخش امام (ره) با دیگر نهضت‌های اسلامی سده‌های اخیر بود و همین تفاوت اساسی، یکی از عوامل مهم موفقیت و پیروزی انقلاب اسلامی بوده است. در حالی که از نظر رفتار سیاسی، ایشان در آغاز مبارزات، بر اساس عمل به قدر مقدور، در قالب و چهار چوب اصلاح رژیم عمل می‌کردند و از ابتدای دهه چهل شمسی بود که وارد گفتمان انقلابی شدند و به این نتیجه رسیدند که لازم است در جهت نفی رژیم سلطنتی و استقرار نظام اسلامی عمل کنند. در این مرحله، امام خمینی (ره)، علاوه بر مبارزه برای نفی استعمار و استبداد، به ارائه نظام مند فلسفه سیاسی اسلام پرداختند و به این دو پرسش اساسی و مهم فلسفه سیاسی که چه کسی باید حکومت کند و چگونه باید حکومت کرد، پاسخ‌های صریح و روشنی دادند و در عمل هم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برای جاری کردن این اندیشه، اهتمام ورزیدند. این نوشتار در جهت تبیین مدعای مذکور و شناسایی امور ثابت و متغیر در اندیشه و رفتار سیاسی امام (ره) سازمان دهی شده است.



ورود مستقیم امام خمینی (ره) به مسائل سیاسی را می‌توان هم‌زمان با تألیف کتاب «کشف الاسرار» در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی دانست. کشف الاسرار حاوی انتقادهایی از سیاست‌های ضداسلامی رضاشاه بود که در رد محتوای کتاب اسرار هزار ساله نوشته شد. امام (ره) به محض اطلاع از نشر این رساله، جهت تألیف کشف الاسرار به مدت دو ماه کلاس‌های درس خود را تعطیل کرد. در کشف الاسرار امام (ره) در میان حملات شدید پسیاست‌های رضاشاه، مسأله ولایت فقیه هم به طور اجمالی طرح شده است.

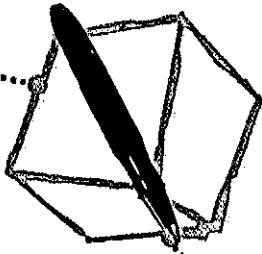
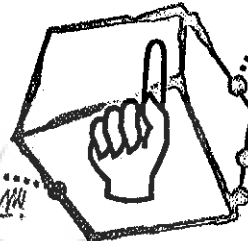
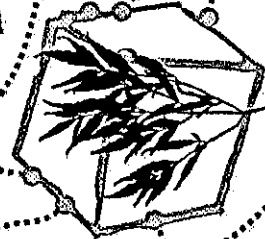
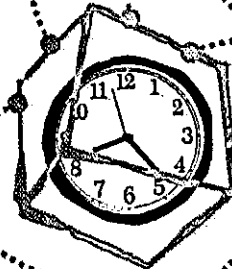
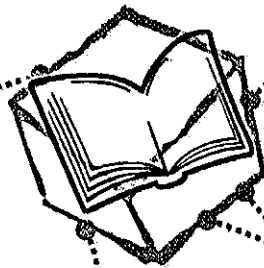
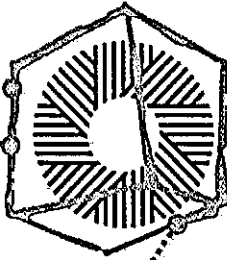


نقطه ضعف اندیشه سیاسی ایشان نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین نقاط قوت آن بوده و سبب شده که حضرت امام (ره) در هر زمان، رفتار سیاسی خویش را به درستی هدایت کند. اندیشه سیاسی امام (ره) در کشف الاسرار و حدود یک دهه بعد از آن، اصلاحی است اما تحلیل اندیشه و عمل سیاسی امام (ره) از دهه ۴۰ به بعد در ذیل اندیشه‌های سیاسی انقلابی، قابل تفسیر است. فرضیه مذکور، بر پیش فرض‌هایی استوار است. مهم‌ترین این پیش فرض‌ها عبارتند از:

- ۱- مشکلات بشر در حوزه سیاست، در بستر زمان نومی شود. مشکلات جدید، پاسخ‌های جدیدی هم می‌طلبند. ۲- اندیشه سیاسی کارآمد، پاسخی است به مشکلات، نیازها، بحران‌ها و معضلات عصر خویش. ۳- اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) هم تلاشی بوده است برای پاسخگویی به مشکلات مردم ایران در درجه اول و مشکلات جهان اسلام و نجات مظلومان و مستضعفان عالم در درجه دوم.

دلایل چندی سبب شده است تا موضوع تطور اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره)، مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد. تمسک به بخش‌هایی از تفکر سیاسی امام (ره) به سائقه تحکیم دیدگاه‌های جناحی یا توجهاتی که از سر نقد و احیای تأثیرپذیری از دیدگاه‌ها و نظریات رئالیستی به اندیشه سیاسی ایشان شده است، از مهم‌ترین این دلایل است. دیدگاه اول، عمدتاً از سوی جناح‌ها و گروه‌های داخل نظام جمهوری اسلامی و دیدگاه دوم، عمدتاً از سوی کسانی که خارج از نظام قرار دارند، مطرح شده است. البته اندک افرادی هم هستند که گرچه درون نظام قرار دارند اما در شمار گروه دوم قرار می‌گیرند. گروه سوم هم هستند که سعی دارند منصفانه و بای طرفی و از سر علم و با تکیه بر روش معتبر به توضیح موضوع ثبات و تحول در اندیشه حضرت امام خمینی (ره) بپردازند. اما ادعای نگارنده این است که هیچ کدام از دیدگاه‌های اول و دوم تاکنون موفق به ارائه توضیح معتبری از اندیشه سیاسی امام (ره) و بررسی میزان ثبات یا تحول آن نشده‌اند؛ چنان‌که تلاش گروه سوم هم ناکافی بوده است. فرضیه این نوشتار، این است که اولاً، اندیشه سیاسی امام (ره) دچار تحول شده است؛ ثانیاً، این تحول، مبتنی بر اصول ثابتی بوده است. بعضی از آنها عبارتند از توجه به مقتضیات زمان و مکان و مفاهیمی همچون مصلحت، تکلیف و مکانیزمی چون اجتهاد ثالثاً، این تحول، نه تنها

○ مفهوم شناسی - حال به بررسی مفاهیمی چون دین، سیاست، رابطه دین و سیاست و اندیشه سیاسی می‌پردازیم که فرضیه مذکور با توجه به این برداشت از مفاهیم ذکر شده، فراهم آمده است.



مفهوم دین: نظر به اینکه در این پژوهش، دین اسلام مدنظر بوده است، می‌توانیم آن را به‌عنوان مجموعه‌ای از آرای نظری، آرای ارادی و افعال تعریف کنیم. مقصود از آرای نظری، آرا و اندیشه‌هایی است پیرامون آن دسته از واقعیت‌ها که از حوزه تصرف و اراده انسانی خارج هستند. خداشناسی، فرشته‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، راهنماشناسی و آخرت‌شناسی از مهم‌ترین بخش‌های دین اسلام است. منظور از آرای ارادی، دیدگاه‌ها و اندیشه‌هایی است پیرامون آنچه انسان باید انجام دهد یا نباید انجام دهد. باید‌ها و نیاید‌های دین در عرصه زندگی اجتماعی، در همین بخش قرار می‌گیرد. مقصود از حوزه افعال هم این است که در دین اسلام، تمام رفتارها در چهره تنظیم شده است که انسان را در رسیدن به سعادت قضاو یاری کند.

مفهوم سیاست: فهم درست مفهوم سیاست در فرهنگ اسلامی در گرو فهم وظایف حکومت اسلامی و مقایسه آن با وظایف دیگر حکومت‌ها و هم رسیدن به تمایزات سیاست اسلامی با غیر آن است. به طور کلی می‌توان برداشت‌های مختلفی از سیاست را در مکتب قدرت و هدایت طبقه بندی کرد. در مکتب قدرت، غایت دولت، امور دنیوی است. اما در مکتب هدایت، غایت دولت، امور اخروی است. در اولی، دنیا مقصد است و در دومی، آخرت، مقصد و دنیا منزلگاه. مفهوم سیاست، در مکتب هدایت عبارت است از تلاش انسان‌ها در جهت تحقق قانون الهی روی زمین، به رهبری انبیا، اوصیا و اولیا جهت نیل به سعادت قضاو. از همین رو سیاست در فرهنگ اسلامی به تدبیر هم تعبیر شده است. حضرت امام خمینی ^(ع) هم در یک مورد به طور عمومی به تعریف سیاست پرداخته‌اند و در جای دیگر، به طور خاص و از زاویه ارزشی به مقوله سیاست توجه کرده و گونه‌های مختلف آن را ارائه کرده‌اند.

رابطه دین و سیاست: در این مورد لازم است تا تامل و دقت بیشتری در سخنان امام خمینی ^(ع) صورت گیرد؛ چرا که ایشان، حتی احکام اخلاقی اسلام را هم سیاسی می‌دانند؛ برخلاف آنچه عده‌ای پنداشته‌اند. از نظر نگاه امام ^(ع)، چون دین اسلام، هدایت جامعه را در همه شئون آن بر عهده دارد، بنابراین تماماً سیاسی است. به نظر ایشان، حتی آنجایی که دعوت‌های الهی منحصر مربوط به وظایف و روابط شخصی افراد است، باز هم معنایی اجتماعی و سیاسی دارد.

مفهوم اندیشه سیاسی: اندیشه سیاسی عبارت است از کوشش برای تعیین اهدافی که

در قالب مجموعه‌ای از آرای نظری، آرای ارادی و افعال تعریف کنیم. مقصود از آرای نظری، آرا و اندیشه‌هایی است پیرامون آن دسته از واقعیت‌ها که از حوزه تصرف و اراده انسانی خارج هستند. خداشناسی، فرشته‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، راهنماشناسی و آخرت‌شناسی از مهم‌ترین بخش‌های دین اسلام است. منظور از آرای ارادی، دیدگاه‌ها و اندیشه‌هایی است پیرامون آنچه انسان باید انجام دهد یا نباید انجام دهد. باید‌ها و نیاید‌های دین در عرصه زندگی اجتماعی، در همین بخش قرار می‌گیرد. مقصود از حوزه افعال هم این است که در دین اسلام، تمام رفتارها در چهره تنظیم شده است که انسان را در رسیدن به سعادت قضاو یاری کند.

مفهوم سیاست: فهم درست مفهوم سیاست در فرهنگ اسلامی در گرو فهم وظایف حکومت اسلامی و مقایسه آن با وظایف دیگر حکومت‌ها و هم رسیدن به تمایزات سیاست اسلامی با غیر آن است. به طور کلی می‌توان برداشت‌های مختلفی از سیاست را در مکتب قدرت و هدایت طبقه بندی کرد. در مکتب قدرت، غایت دولت، امور دنیوی است. اما در مکتب هدایت، غایت دولت، امور اخروی است. در اولی، دنیا مقصد است و در دومی، آخرت، مقصد و دنیا منزلگاه. مفهوم سیاست، در مکتب هدایت عبارت است از تلاش انسان‌ها در جهت تحقق قانون الهی روی زمین، به رهبری انبیا، اوصیا و اولیا جهت نیل به سعادت قضاو. از همین رو سیاست در فرهنگ اسلامی به تدبیر هم تعبیر شده است. حضرت امام خمینی ^(ع) هم در یک مورد به طور عمومی به تعریف سیاست پرداخته‌اند و در جای دیگر، به طور خاص و از زاویه ارزشی به مقوله سیاست توجه کرده و گونه‌های مختلف آن را ارائه کرده‌اند.

رابطه دین و سیاست: در این مورد لازم است تا تامل و دقت بیشتری در سخنان امام خمینی ^(ع) صورت گیرد؛ چرا که ایشان، حتی احکام اخلاقی اسلام را هم سیاسی می‌دانند؛ برخلاف آنچه عده‌ای پنداشته‌اند. از نظر نگاه امام ^(ع)، چون دین اسلام، هدایت جامعه را در همه شئون آن بر عهده دارد، بنابراین تماماً سیاسی است. به نظر ایشان، حتی آنجایی که دعوت‌های الهی منحصر مربوط به وظایف و روابط شخصی افراد است، باز هم معنایی اجتماعی و سیاسی دارد.

مفهوم اندیشه سیاسی: اندیشه سیاسی عبارت است از کوشش برای تعیین اهدافی که

در قالب مجموعه‌ای از آرای نظری، آرای ارادی و افعال تعریف کنیم. مقصود از آرای نظری، آرا و اندیشه‌هایی است پیرامون آن دسته از واقعیت‌ها که از حوزه تصرف و اراده انسانی خارج هستند. خداشناسی، فرشته‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، راهنماشناسی و آخرت‌شناسی از مهم‌ترین بخش‌های دین اسلام است. منظور از آرای ارادی، دیدگاه‌ها و اندیشه‌هایی است پیرامون آنچه انسان باید انجام دهد یا نباید انجام دهد. باید‌ها و نیاید‌های دین در عرصه زندگی اجتماعی، در همین بخش قرار می‌گیرد. مقصود از حوزه افعال هم این است که در دین اسلام، تمام رفتارها در چهره تنظیم شده است که انسان را در رسیدن به سعادت قضاو یاری کند.

مفهوم سیاست: فهم درست مفهوم سیاست در فرهنگ اسلامی در گرو فهم وظایف حکومت اسلامی و مقایسه آن با وظایف دیگر حکومت‌ها و هم رسیدن به تمایزات سیاست اسلامی با غیر آن است. به طور کلی می‌توان برداشت‌های مختلفی از سیاست را در مکتب قدرت و هدایت طبقه بندی کرد. در مکتب قدرت، غایت دولت، امور دنیوی است. اما در مکتب هدایت، غایت دولت، امور اخروی است. در اولی، دنیا مقصد است و در دومی، آخرت، مقصد و دنیا منزلگاه. مفهوم سیاست، در مکتب هدایت عبارت است از تلاش انسان‌ها در جهت تحقق قانون الهی روی زمین، به رهبری انبیا، اوصیا و اولیا جهت نیل به سعادت قضاو. از همین رو سیاست در فرهنگ اسلامی به تدبیر هم تعبیر شده است. حضرت امام خمینی ^(ع) هم در یک مورد به طور عمومی به تعریف سیاست پرداخته‌اند و در جای دیگر، به طور خاص و از زاویه ارزشی به مقوله سیاست توجه کرده و گونه‌های مختلف آن را ارائه کرده‌اند.

رابطه دین و سیاست: در این مورد لازم است تا تامل و دقت بیشتری در سخنان امام خمینی ^(ع) صورت گیرد؛ چرا که ایشان، حتی احکام اخلاقی اسلام را هم سیاسی می‌دانند؛ برخلاف آنچه عده‌ای پنداشته‌اند. از نظر نگاه امام ^(ع)، چون دین اسلام، هدایت جامعه را در همه شئون آن بر عهده دارد، بنابراین تماماً سیاسی است. به نظر ایشان، حتی آنجایی که دعوت‌های الهی منحصر مربوط به وظایف و روابط شخصی افراد است، باز هم معنایی اجتماعی و سیاسی دارد.

مفهوم اندیشه سیاسی: اندیشه سیاسی عبارت است از کوشش برای تعیین اهدافی که

در قالب مجموعه‌ای از آرای نظری، آرای ارادی و افعال تعریف کنیم. مقصود از آرای نظری، آرا و اندیشه‌هایی است پیرامون آن دسته از واقعیت‌ها که از حوزه تصرف و اراده انسانی خارج هستند. خداشناسی، فرشته‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، راهنماشناسی و آخرت‌شناسی از مهم‌ترین بخش‌های دین اسلام است. منظور از آرای ارادی، دیدگاه‌ها و اندیشه‌هایی است پیرامون آنچه انسان باید انجام دهد یا نباید انجام دهد. باید‌ها و نیاید‌های دین در عرصه زندگی اجتماعی، در همین بخش قرار می‌گیرد. مقصود از حوزه افعال هم این است که در دین اسلام، تمام رفتارها در چهره تنظیم شده است که انسان را در رسیدن به سعادت قضاو یاری کند.

مفهوم سیاست: فهم درست مفهوم سیاست در فرهنگ اسلامی در گرو فهم وظایف حکومت اسلامی و مقایسه آن با وظایف دیگر حکومت‌ها و هم رسیدن به تمایزات سیاست اسلامی با غیر آن است. به طور کلی می‌توان برداشت‌های مختلفی از سیاست را در مکتب قدرت و هدایت طبقه بندی کرد. در مکتب قدرت، غایت دولت، امور دنیوی است. اما در مکتب هدایت، غایت دولت، امور اخروی است. در اولی، دنیا مقصد است و در دومی، آخرت، مقصد و دنیا منزلگاه. مفهوم سیاست، در مکتب هدایت عبارت است از تلاش انسان‌ها در جهت تحقق قانون الهی روی زمین، به رهبری انبیا، اوصیا و اولیا جهت نیل به سعادت قضاو. از همین رو سیاست در فرهنگ اسلامی به تدبیر هم تعبیر شده است. حضرت امام خمینی ^(ع) هم در یک مورد به طور عمومی به تعریف سیاست پرداخته‌اند و در جای دیگر، به طور خاص و از زاویه ارزشی به مقوله سیاست توجه کرده و گونه‌های مختلف آن را ارائه کرده‌اند.

از جمله دلایل تغییر و تحول در اندیشه‌های سیاسی حضرت امام ^(ع)، تغییر شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی است. قاعده فقهی عمل به قدر مقدور، بر اساس آیه شریفه «لا یكلف الله نفسا الا وسعها» بیان می‌کند که نظام اسلامی و شخص مسلمان با توجه به قدرتی که دارد، در شرایط مختلف و وظایف متفاوتی بر عهده دارد. این قاعده مگر در اصول دین که قابل تغییر نیستند، در قواعد ثابت اما منعطف دین و همچنین دیگر مسائل مستحدثه قابل اعمال است.

○ **ثبات یا تحول** نظریه‌های نظام سیاسی در آثار مکتوب حضرت امام خمینی^(ع)، ارکان اندیشه ایشان را نشان می‌دهد. همچنین نشان دهنده وقوع تنوع و تحول در اندیشه امام^(ع) است.

نظریه‌های نظام سیاسی در اندیشه امام خمینی^(ع)؛ منابع مهم مطالعه اندیشه سیاسی امام^(ع) عبارت است از: کشف الاسرار، کتاب البیع، مصاحبه‌ها؛ به ویژه مصاحبه‌هایی که در ایام اقامت در پاریس داشته‌اند و نامه‌ها؛ به خصوص نامه‌هایی که در اواخر عمر مبارک خود صادر کردند.

منطق تحول اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی^(ع)؛ به دو روش می‌توان چرایی تحول اندیشه سیاسی حضرت امام^(ع) را توضیح داد؛ یکی به طریق طبقه بندی محتوای اندیشه سیاسی اسلام؛ به عبارت دیگر، استفاده از روش گفتمان سازی در حوزه اندیشه سیاسی و دوم، از طریق فهم مکتب‌سیستم اجتهاد در مکتب شیعه و فضای حاکم بر استنباط احکام اسلامی بر اساس روش گفتمان سازی، تمامی محتوای اندیشه سیاسی اسلام را که توسط متفکران مسلمان ارائه شده است، می‌توان در سه گفتمان قرار داد؛ گفتمان تغلب، گفتمان اصلاح و گفتمان انقلاب. تمامی اندیشه‌هایی که در صدد توجیه نظام‌های سیاسی استبدادی بوده‌اند و برای آنها مشروعیت‌سازی می‌کرده‌اند، تحت عنوان گفتمان تغلب قرار می‌گیرند. آن دسته از اندیشه‌ها که در صدد بهبود بخشیدن به اوضاع سیاسی و اجتماعی از طرق مسالمت‌آمیز و تدریجی بوده‌اند، ذیل عنوان گفتمان اصلاح قرار می‌گیرند. اما اندیشه‌هایی که سودای تعویض نظام سیاسی داشته‌اند، سازنده گفتمان انقلاب هستند. بر اساس این روش، اندیشه سیاسی امام^(ع)، مرکب از گفتمان اصلاح و انقلاب است.

روش دوم توضیح تحول در اندیشه سیاسی امام^(ع)، توضیح فضایی است که فقها در آن فضا به ارائه نظریات و فتاوی خویشتن می‌پردازند. تمام آنچه در اندیشه حضرت امام^(ع) آمده است؛ همچون پذیرش سلطنت مشروطه، نظارت فقها و ولایت فقیه، همه موجه و قابل توضیح است؛ چرا که محتوای اسلام از دو دسته مسائل تشکیل شده است؛ دسته‌ای که ثابت است و از آن با عنوان اصول ثابت یاد می‌کنیم و مسائلی که متغیرند و در پناه آن اصول ثابت، متناسب با شرایط زمانی و مکانی مختلف جعل می‌شوند.

○ **گذر از اندیشه سیاسی اصلاحی به اندیشه سیاسی انقلابی** همان گونه که پیش تر اشاره شد، در تاریخ اندیشه سیاسی اسلامی و در طبقه بندی‌ای که بر پایه اهداف مورد نظر این اندیشه انجام شده باشد، سه نوع اندیشه سیاسی سلطه جویانه، اصلاحی و انقلابی دیده می‌شود. اندیشه سیاسی حضرت امام^(ع) و به تبع آن، اقدامات سیاسی وی علیه رژیم پهلوی، در یک مقطع از تاریخ اندیشه و عمل سیاسی ایشان، اصلاحی است. اما ایشان تنها به گفتمان اصلاح نمی‌پردازد، بلکه با وجود همه توضیحاتی که درباره همکاری^(ع) و علما با سلاطین جائر دارد، دست از این همکاری مصلحت اندیشانه می‌کشد و حفظ کشور اسلامی را در گرو حرکتی جدید، که عبارت از انقلاب، نفی رژیم سلطنتی و تاسیس حکومت اسلامی است، معنا می‌کند. از این رو، در این نوشتار، تأکید اساسی بر اندیشه انقلابی امام^(ع) و آسیب شناسی انقلابی وی است. در واقع، تحول مهم تاریخ اندیشه سیاسی شیعه که امام خمینی^(ع)، پانی و عامل آن در دوره معاصر بود، انتقال از تفکر اصلاحی به تفکر انقلابی است.

اندیشه سیاسی امام^(ع) از مهم ترین اندیشه‌های انقلابی-اسلامی است که در دوره معاصر، ارائه و عملی شد. اندیشه سیاسی ایشان در راه گذر از اندیشه‌های اصلاحی به اندیشه‌های انقلابی دچار تحولی تدریجی شد. این همان نقطه قوت اندیشه سیاسی امام^(ع) است که به کمک شناخت دقیق اوضاع، شرایط و امکانات و با استعانت از اصل پویای تفکر شیعی، یعنی اجتهاد شکل گرفته است. امام^(ع) با آنکه درک عمیقی از اندیشه‌های اصلاحی داشت اما آنها را برای وضعیت معاصر مناسب ندید. این بود که با شناخت آسیب‌ها، آفت‌ها و بیماری‌های موجود در جامعه، سیاست ایران، جهان اسلام و حتی نظام بین‌الملل، به ارائه راه حل‌ها، درمان و آفت زدایی این مجموعه پرداخت و موفق شد با تشکیل جمهوری اسلامی، راه را برای آفت زدایی از مجموعه کشورهای اسلامی و نظام بین‌الملل باز کند.



شاید بتوان آغازگر (غلام‌دار) مبارزات آزادی خواهانه با اندیشه اصلاحی در ۱۰۰ ساله اخیر کشور را سید جمال‌الدین اسدآبادی دانست. وی دلایل عقب ماندگی مسلمانان را استبداد داخلی و استعمار خارجی می‌دانست و به شدت با بدعت زایی و خرافه گرایی مبارزه می‌کرد. گفتمان اصلاحی سید جمال به تفکر اصلاح در چهار چوب‌های نظام موجود پسندیده کرد و لابل در همان ایام مبارزات به اندیشه انقلابی تبدیل نشد.

○ **اصول ثابت در اندیشه سیاسی امام خمینی^(ع)** اندیشه سیاسی منطقی و کارآمد، اندیشه‌ای است که ضمن دارا بودن اصول ثابت، از انعطاف هم برخوردار باشد. چنان که پیشتر هم گفته شد، اندیشه سیاسی، دارای ارکانی است که عبارتند از؛ تعیین اهداف معقول، تعیین و انتخاب ابزارهای لازم برای رسیدن به هدف و منطقی بودن. با توجه به این که مشکلات انسان در عرصه سیاست و زندگی و در بستر زمان، نو می‌شود و بعضاً شرایط و امکانات نیز، در شرایط یکسانی قرار ندارند، باید اندیشمند و متفکر سیاسی، متناسب با شرایط و امکانات به تعیین اهداف معقول و تعیین مکانیسم‌های رسیدن به آن اهداف بپردازد. به عبارت دیگر، به اصل قدر مقدور و تقدم اهم بر مهم توجه کند. حال با توجه به این مقدمه، لازم به ذکر است که بخش‌هایی از آراء، افکار و اندیشه‌های امام^(ع) بر حسب مقتضیات زمان و مکان و شرایط و امکانات و... دچار تغییراتی شده‌اند اما نکته حائز اهمیت این است که این تغییرات در دایره اصول ثابتی اتفاق افتاده‌اند که در اینجا بدان‌ها می‌پردازیم. اصولی که در اینجا قابل ارائه است را می‌توان در این موارد فهرست بندی کرد:

۱. اصل تکلیف؛ تکلیف گرایی و عمل بر اساس تکلیف و وظیفه شرعی و حتی تغییر رفتار به سبب تغییر وظیفه، جایگاه مهمی در فهم اندیشه و عمل سیاسی حضرت امام^(ع) دارد. ایشان خود تصریح کرده‌اند که تمامی رفتارهای ایشان بر اساس تکلیف بوده است؛ «ما بنا داریم به تکلیف عمل کنیم» (صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۲۰). اصل مصلحت اسلام و مسلمین؛ حضرت امام^(ع) بارها تأکید کرده‌اند که اگر مصلحت اسلام یا مسلمین را در عمل خاصی دیدند، اقدام می‌کنند. اصل مصلحت مسلمانان؛ اصل حفظ مصلحت جامعه، مصالح کشور و اسلام و در کل، حذف و دفع مفاسد، مورد اهتمام حضرت امام^(ع) و متجلی در اندیشه سیاسی ایشان بوده است. اصل دعوت و گسترش اسلام؛ به نظر می‌رسد می‌توان تمامی اقدامات امام^(ع) را با همین اصل توضیح داد. اصل نفی سبیل؛ مهم ترین موضع گیری امام^(ع) در نفی سلطه خارجی علیه تصویب کاپیتولاسیون بود که سرانجام منجر به تبعید ایشان از ایران شد. اصل تقدم اهم بر مهم؛ اساسی ترین امر مهم که حضرت امام^(ع) تقدیم آن را بر دیگر امور، پیوسته یادآوری می‌فرمودند، حفظ نظام اسلامی در پرتو حفظ وحدت تمامی اقشار جامعه بوده است. اصل عمل به قدر مقدور؛ روشن است که قدرت، شرط تکلیف است؛ لایکلف الله نفساً الا وسعها. اقدامات امام^(ع) در چهار چوب گفتمان اصلاح و گذر از این گفتمان‌ها به گفتمان انقلاب، با توجه به اصل عمل به قدر مقدور به خوبی قابل توضیح و فهم است. اصل عدالت؛ عدالت در سطوح مختلف، اصلی پذیرفته شده و لازم الی‌عایه است. تأکید عدالت اجتماعی در فرمایشات امام^(ع)، جایگاه بسیار مهمی دارد. اصل ضرورت حکومت؛ اصل ولایت الهی ۱۱. اصل تدریج؛ اصل تدریجی بودن امور در اندیشه امام^(ع) مورد تأکید قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که ایشان در جایی به تدریجی بودن امور از نظر قرآن استدلال کرده است: «در قرآن هم کارها به تدریج انجام گرفته است» (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۵). اصل در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان؛ بحث زمان و مکان و شرایط و مناسبات اجتماعی؛ از عوامل تأثیر گذار بر اندیشه امام^(ع) بوده است. ایشان در این رابطه می‌فرمایند: «زمان و مکان، دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند» (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۸). و ۱۳. از همه مهم تر، اصل اجتهاد که در واقع، اصل مادر و حاکم و جهت دهنده به تمامی اصول فوق است. همچنین ممکن است اصول دیگری هم وجود داشته باشند. بنابراین با توجه به مباحث ذکر شده، می‌توان نتیجه گرفت که اندیشه اصلی امام^(ع) در باب حکومت دینی، تاسیس حکومت ولی فقیه عادل جامع الشرایط است؛ چرا که امام^(ع) بر این مطلب حتی در کشف الاسرار هم به صریح ترین وجه تأکید کرده بود؛ به این تعبیر که: «هر چه برای پیغمبر از لازم بودن اطاعت و ولایت و حکومت ثابت است برای آنها (یعنی فقها) هم ثابت است» (کشف الاسرار، ص ۱۸۸). این اندیشه، امام^(ع) را در ردیف اندیشه پردازان انقلابی قرار می‌دهد.

به هر حال می‌توان امیدوار بود که بعضی از مسلمانان در پرتو اندیشه‌های اصلاحی امام^(ع) به سوی اندیشه‌های انقلابی حرکت کنند. غفلت از اندیشه‌های اصلاحی، ما را به اندیشه‌های انقلابی نخواهد رساند. راه ورود به اندیشه‌های انقلابی، گام زدن به طور همزمان در اندیشه‌های اصلاحی است. کاری که امام خمینی^(ع)، هم در عمل سیاسی و هم در اندیشه سیاسی خویش، توان آن را به کار بست.

در اندیشه حضرت امام^(ع) اصولی از قبیل عمل به تکلیف، در نظر گرفتن مصلحت اسلام و مسلمین، توجه به عدالت در تمامی سطوح، تدریجی بودن امور و لزوم توجه به مقتضیات زمان و مکان به عنوان اصول ثابت، دایره وسیعی از مصادیق متغیر و متنوع را در درون خود قرار می دهند

○ گذار از فقه سیاسی به کلام سیاسی در اینجا شایسته است به تحول دیگری که در اندیشه سیاسی شیعه در دوره معاصر، با محوریت اندیشه امام خمینی^(ع) صورت گرفته است و هم به بعضی نتایج و بازتاب‌های اندیشه امام^(ع) اشاره شود. امام خمینی^(ع) تجربه بیش از یک سده شکست و ناکامی مسلمانان در مقابله با جهان‌خواران را به خوبی تحلیل و تبیین کرد، مشکلات و معضلات اساسی را دریافت و در تحلیلی دقیق، شیوه و روشی بدیع در تبیین مسائل فقهی، کلامی و فلسفی - عرفانی اسلام در پیش گرفت؛ در حالی که در این راه، فضای غالب را تفکر جدایی دین از سیاست، گریز از حکومت و بی‌توجهی به مسائل جهانی و منطق‌های تشکیل می‌داد و چه فریادها و دردها که امام^(ع) از این فضا و محیط داشت، امام خمینی^(ع)، اندیشه سیاسی اسلام را در وضعیتی دشوار در خلال مباحث فقهی مطرح کرد اما این گونه نبود که از چهار چوب فقه و اصول فقه خارج نشود، بلکه ضرورت ایجاد حکومت اسلامی به رهبری ولی فقیه را در کلام ثابت کرده، آنگاه فقه را با این اندیشه مشروط ساخت. کاری که امام^(ع) کرد این بود که ولایت فقیه را از قلمرو فقه بیرون آورد و آن را به عنوان یک مسأله کلامی مطرح کرد.

به این ترتیب، اندیشه تاسیس حکومت اسلامی از آغاز مبارزات، مورد نظر حضرت امام^(ع) بود ولی اولویت او با ساختن و تربیت عناصر آگاه و یاران همدل بود؛ کاری که در جو آن روزه هم شجاعت می‌خواست و هم نیاز به زمان داشت. فکر تاسیس حکومت اسلامی، اولاً امام^(ع) و پیروانش را در مقابل نظام ستم‌شاهی پهلوی قرار می‌داد و ثانیاً مانع از آن می‌شد تا شکست‌هایی نظیر آنچه در نهضت مشروطه و غیر آن اتفاق افتاد، دوباره تکرار شود. این همه، در کنار لزوم ارائه یک فلسفه سیاسی در مقابل فلسفه سیاسی نظام حاکم، سبب شد تا از سوی حضرت امام خمینی^(ع) در اول بهمن سال ۱۳۴۸ در اثنای بحث فقهی مکاسب، موضوع ولایت فقیه، محور تدریس قرار بگیرد. انتشار این دروس در قالب کتاب ولایت فقیه، حکومت اسلامی یا عناوین دیگر، مبارزات را وارد مرحله جدیدی کرد و در سطحی وسیع‌تر، تحول عمیقی در حوزه اندیشه سیاسی اسلام به وجود آورد و زمینه را برای ارائه طرح‌های مختلف در ابعاد حکومتی فراهم آورد.

همان گونه که پیدایش اصل انقلاب اسلامی با احیای اندیشه سیاسی اسلام، توسط رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی^(ع) انجام شد، استمرار آن هم با تداوم این، امکان پذیر خواهد بود و همچنان که بیداری مردم مسلمان ایران با رهبری دینی امام^(ع) آغاز شد، بیداری و قیام مردم خارج از این مرزوبوم هم با هدایت دینی انجام پذیر است و این همان صدور انقلاب است. بنابراین صدور انقلاب به معنای پاسخ دادن به سؤال‌های فکری بشر تشنه معارف الهی است و این چیزی غیر از تداوم، پویایی و بالندگی اندیشه اسلامی به ویژه اندیشه سیاسی اسلام - که امام^(ع) احیاگر آن بوده است - نمی‌باشد.

از تحولات مهمی که امام^(ع) مسبب آن بود، تحول در حوزه فقه بود. ایشان با اینکه درباره روش تحصیل و تحقیق در حوزه‌ها معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری بود و تخلف از آن

را جایز نمی‌دانست ولی معتقد بودند که این بدان معنا نیست که فقه اسلامی پویا نباشد. بر همین اساس بر نقش دو عنصر زمان و مکان تاکید داشت و از همه مهم‌تر اینکه حکومت را فلسفه عملی تمامی فقه دانستند.

○ نتیجه‌گیری در این نوشتار در پی چستی اندیشه سیاسی امام^(ع) و بررسی علل تطور آن بودیم. مفهوم تطور، به تحولات اندیشه و عمل سیاسی امام و تفکیک عناصر ثابت از عناصر و آموزه‌های متحول آن اشاره داشته است. برای پاسخ به این پرسش، ناگزیر شدیم پرسش‌های دیگری را به بحث بگذاریم؛ پرسش از ماهیت اندیشه سیاسی اسلامی به مثابه پرسشی اساسی که می‌توانست ما را برای فهم ماهیت اندیشه سیاسی امام خمینی^(ع)، مدد برساند، پس از بررسی و کاوش، مفاهیم کلیدی از نخستین مباحثی بود که مطرح شد؛ سپس گفتیم که می‌توان تمامی محتوای اندیشه سیاسی مسلمانان را در قالب سه گفتمان طبقه‌بندی کرد، دسته‌ای از اندیشه‌ها از ماهیت اصلاحی برخوردارند. دسته دیگر از ماهیت انقلابی و گروه سوم که از آن با عنوان اندیشه‌های سیاسی سلطه‌جویانه یاد کردیم. طبقه‌بندی ماهیتی اندیشه‌های سیاسی اسلامی در سه قالب مذکور، به مثابه چهار چوبی نظری، راهت‌مای تحول و تطور اندیشه سیاسی امام خمینی^(ع) شد.

به کمک چهار چوب مذکور توانستیم پاسخ‌های ارائه شده درباره علل تطور اندیشه سیاسی امام خمینی^(ع) را مورد نقد و بررسی قرار دهیم. سپس علاوه بر استفاده از روش تمایز ماهوی اندیشه‌های سیاسی در تحلیل و تبیین تطور اندیشه سیاسی حضرت امام^(ع)، به منظور تقویت مدعای خود از روش دیگری هم استفاده کردیم. در روش دوم بر تفکیک دو دسته از عناصر در اندیشه سیاسی امام خمینی^(ع) تاکید شد. عناصر ثابت به عنوان راهنمای اندیشه و عمل سیاسی و عناصر متغیر به عنوان تاکتیک‌ها و بستری که بر اساس اصول ثابت، زندگی سیاسی را مقدر و معقول می‌سازند تا اهداف به بهترین شکل تأمین شوند.

اصولی از قبیل عمل به تکلیف، در نظر گرفتن مصلحت اسلام و مسلمین، دعوت به اسلام، نفی سبیل و مبارزه با هر گونه سلطه، تقدم امور اعم بر مهم، و وجوب عمل به قدر مقدور و میزان قدرت و توان، توجه به عدالت در تمامی سطوح فردی، اجتماعی، سیاسی، قضائی و... تدریجی بودن امور و لزوم توجه به مقتضیات زمان و مکان به عنوان اصول ثابت، دایره وسیعی از مصادیق متغیر و متنوع را در درون خود قرار می‌دهند. اصل اجتهاد به مثابه اصلی کلیدی و مرجع، عهده‌دار تنظیم اصلاح مذکور و تعیین تکلیف و وظیفه، متناسب با شرایط زمان و مکان و مقدرات است. توجه به اصل اجتهاد به عنوان اصل حاکم بر تمامی اصول دیگر، نشان‌دهنده جایگاه رفیع رهبری دینی در اندیشه سیاسی شیعه است.

مراد از قاعده «نفی سبیل» در فقه اسلامی آن است که هر گونه ارتباط و دادوستدی که موجب سلطه بیگانگان بر مسلمانان شود - اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی - جایز نیست. اساسی‌ترین پیام این قاعده، پویایی و شکوفایی فقه سیاسی است. در اثبات و استدلال این اصل به آیه «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» استناد می‌شود. «نفی سبیل» رایه‌ت‌هایی می‌تواند دلیل کافی جهت برقراری حکومت اسلامی و رد امکان هر گونه تسلط کافران بر جماعت مسلمین دانست.